

بررسی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج و تمایل به ازدواج در بین دانشجویان دانشگاه‌های تهران

The Influence on Premarital Heterosexual Relationships on Marital Timing and Marital Desire among College Students in Tehran

دکتر فریده فراهانی خلیج آبادی ✉ ✉ *F. Farahani Khalajabadi, Ph.D.*

استادیار، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه

Sh. Kazemipour, Ph.D.

دکتر شهلا کاظمی پور

دانشیار، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه

A. Rahimi, MSc

علی رحیمی

کارشناس ارشد جمعیت‌شناسی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه

دریافت مقاله: ۹۰/۱۰/۵

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۱/۱۲/۱۶

پذیرش مقاله: ۹۲/۱/۲۰

Abstract

Over the past four decades, age at first marriage has been increased considerably in Iran, particularly among females. In addition, recent evidence indicates an increase in premarital heterosexual liaisons among young people. This paper is based on the finding of first phase of the survey of a cross-sectional mix-method study which aimed to assess the influence of experience of premarital heterosexual liaisons on marriage among university students in Tehran in 2011. This paper specifically aims to examine the influence of premarital heterosexual liaisons on marriage age and desire.

✉ Corresponding author: Population Studies and Research Institute in Asia and the Pacific No. 4, 2nd Behestan St., Pasdaran Ave., Tehran, Iran, Tel: +98-21-22769720
Email: Faridehfarahani@yahoo.com

چکیده:

طی چهار دهه گذشته، سن اولین ازدواج در بین جوانان ایرانی به‌خصوص دختران به‌طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. هم‌چنین شواهد اخیر بر افزایش معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج در بین جوانان دلالت می‌کند. این مقاله براساس نتایج فاز اول پیمایش یک مطالعه مقطعی و توصیفی-تحلیلی است که با هدف بررسی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر ازدواج در بین جوانان با تحصیلات دانشگاهی در تهران در سال ۱۳۹۰ انجام شده بود.

✉ نویسنده مسئول: تهران، پاسداران، خیابان بهستان دوم، پلاک ۴، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه
تلفن: ۰۲۱-۲۲۷۶۹۷۲۰
پست الکترونیکی: Faridehfarahani@yahoo.com

In the first phase of the survey, 2031 university students aged 18-40 from among 7 universities (both public and private) in Tehran were selected using two stage stratified cluster sampling method. Data collection was completed between January 2010 and May 2011 using an anonymous self-administer valid and reliable questionnaire. The mean age of respondents was 22.5, 12% were married with a mean age at marriage of 27(SD=6.32). The influence of premarital heterosexual relationships on marriage age was assessed among married and on desire to marry among single students. The results show that after control of gender, economic and cultural situation of the family, the experience of progressive (sexual) relationship between opposite sex is one of the determinant factors of marriage age among university students. Reporting experience of progressive premarital heterosexual relationships and intimacy are associated with about two years delay in marriage (b-coefficient=1.7, $P<0/05$) Moreover, There is a gender difference in the relations between premarital heterosexual relationships and desire for marriage. So as, both heterosexual friendships and intimacy was significantly linked with greater desire for marriage among females, while among men, only progressive intimacy was inversely linked with desire for marriage. Men with greater experiences showed lower desire for marriage, while premarital heterosexual friendship was not associated with marital desire and propensity. The changes in trends of premarital heterosexual relationships among young people and recent types of partnerships needs to be considered more than before in evolution of marriage and the family in Iran and also differing implications of such relationships between men and women needs greater consideration.

Keywords: Marriage Age, Premarital Heterosexual Relationships, Tehran.

هدف این مقاله بررسی تأثیر معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج بر سن ازدواج و تمایل به ازدواج است. در فاز اول پیمایش، ۲۰۳۱ دانشجوی ۱۸ تا ۴۰ ساله از ۷ دانشگاه دولتی و آزاد در تهران به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای سهمیه‌ای دو مرحله‌ای مورد مطالعه واقع شدند. جمع‌آوری داده‌ها از بهمن ماه ۱۳۸۹ تا خردادماه ۱۳۹۰ با استفاده از پرسشنامه بی‌نام که روایی و پایایی آن سنجیده شد، انجام شده است. میانگین سنی دانشجویان ۲۲/۵ سال بوده و ۱۲٪ دانشجویان متأهل و با میانگین سنی ازدواج ۲۷ سال بوده‌اند ($SD=۶/۳۲$).

تأثیر معاشرت بر سن ازدواج در بین دانشجویان متأهل و تأثیر معاشرت‌ها بر تمایل به ازدواج در بین دانشجویان مجرد بررسی شد. نتایج نشان داد که پس از کنترل جنس، وضعیت اقتصادی و فرهنگی خانواده، تجربه معاشرت پیشرفته قبل از ازدواج، یکی از عوامل تعیین‌کننده افزایش سن ازدواج در بین دانشجویان است. به طوری که تجربه معاشرت پیشرفته با جنس مخالف قبل از ازدواج، حدود ۲ سال ازدواج را با تأخیر همراه می‌سازد ($b\text{-coefficient}=۱/۷, p<۰/۰۵$).

هم‌چنین تفاوت جنسیتی واضحی در ارتباط با معاشرت‌های دوستی و پیشرفته قبل از ازدواج، با تمایل به ازدواج نشان داده شد؛ به طوری که معاشرت دوستی و پیشرفته در دختران با تمایل بیشتر به ازدواج رابطه معنادار داشته، در حالی که در پسران معاشرت پیشرفته با تمایل کمتر به ازدواج رابطه معنادار داشت و رابطه دوستی هیچ ارتباطی با تمایل به ازدواج در پسران نداشت. تغییرات در روند معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج در بین جوانان و انواع جدید شریک‌گزینی، باید بیش از پیش در بررسی تغییرات سن ازدواج و تحولات خانواده در نظر گرفته شده و کارکردهای متفاوت این معاشرت‌ها در ازدواج بررسی شوند.

کلیدواژه‌ها: سن ازدواج، معاشرت با جنس مخالف قبل از ازدواج، تهران

پیش‌بینی رضایت زناشویی همسران براساس باورهای ارتباطی و مهارت‌های ارتباطی

Predicting Couples' Marital Satisfaction Based on Relationship Beliefs and Relationship Skills

Kh. Esmaeilpour, Ph.D. ✉

دکتر خلیل اسماعیل‌پور ✉

استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه تبریز

V. khajeh, MSc.

وجیهه خواجه

دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی دانشگاه تبریز

N. Mahdavi, MSc.

نفیسه مهدوی

دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی گرایش خانواده درمانی

دریافت مقاله: ۹۰/۳/۳۱

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۱/۱۱/۴

پذیرش مقاله: ۹۲/۱/۲۰

Abstract

This Study, according to cognitive-behavior approach, tries to investigate the role of relationship beliefs and relationship skills in couples' marital satisfaction. To do so, 160 persons (80 couples) from Tabriz were selected. After establishing the motivation for participation in the research and getting their informed consent, they were asked to fill out Relationship Beliefs Questionnaire (RBQ), Moradi's marital relationship skills questionnaire and marital satisfaction questionnaire (ENRICH).

✉Corresponding author: Dept. of Psychology, Faculty of Education and Psychology, University of Tabriz, Tabriz.
Tel: 09124548356
Email: khalil_sma@yahoo.com

چکیده

این پژوهش با رویکرد شناختی - رفتاری، و با هدف بررسی نقش باورهای ارتباطی و مهارت‌های ارتباطی در پیش‌بینی رضایت زناشویی زوجین انجام شده است. بدین منظور، ۸۰ زوج از ساکنین شهر تبریز انتخاب شدند. پس از ایجاد انگیزه برای مشارکت در تحقیق و کسب رضایت آگاهانه، از شرکت‌کننده‌ها خواسته شد پرسشنامه‌های باورهای ارتباطی (RBQ)، مهارت‌های ارتباطی زناشویی و رضایت زناشویی (ENRICH) را تکمیل کنند. نتایج نشان داد که مردان رضایت زناشویی بالاتری نسبت به زنان دارند.

✉نویسنده مسئول: تبریز، دانشگاه تبریز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، گروه روان‌شناسی
تلفن: ۰۹۱۲۴۵۴۸۳۴۵
پست الکترونیکی: khalil_sma@yahoo.com

The results showed that there was significant difference between husbands' and their wives' marital satisfaction. Stepwise regression analyses revealed that relational skills and marriage duration were, respectively, significant predictors of husbands' marital satisfaction. Also, relational skills and some of relational beliefs—such as "things should always be perfect between us", "we should do everything together" and "romanticism", had significant contribution in prediction of wives' marital satisfaction, respectively. Contributions of other relational beliefs were not significant. These results clarified the role of relational skills and relational beliefs in marital satisfaction, and confirmed that cognitive-behavior approaches, through training relational skills for couples, and therapeutic interventions to change wives' irrational beliefs would be effective in treating marital problems.

Key Words: Relationship Skills, Marital Relationship Beliefs, Marital Satisfaction.

تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد که مهارت‌های ارتباطی و مدت ازدواج پیش‌بینی‌کننده‌های معنادار رضایت زناشویی مردان هستند. همچنین، مهارت‌های ارتباطی و برخی از باورهای ارتباطی از جمله باور به «کامل بودن همه چیز در روابط زناشویی»، «انجام همه کارها با کمک یکدیگر» و «رمانتیک‌گرایی»، به ترتیب، نقش معناداری در پیش‌بینی رضایت زناشویی زنان داشتند. سهم سایر باورهای ارتباطی در پیش‌بینی رضایت زناشویی افراد معنادار نبود. نتایج این تحقیق با روشن کردن نقش مهارت‌ها و باورهای ارتباطی در رضایت زناشویی، مؤید این است که رویکردهای رفتاری - شناختی با تمرکز بر آموزش مهارت‌های ارتباطی برای هر یک از زوجین و اقدامات درمانی در جهت تغییر باورهای غیرمنطقی زنان، در درمان مشکلات زناشویی مؤثر خواهند بود.

کلیدواژه‌ها: مهارت‌های ارتباطی، باورهای ارتباطی زناشویی، رضایت زناشویی

مقایسه راهبردهای مقابله‌ای ارتباطی در مادران مبتلا به LBP، RA، MS و مادران سالم

Comparing Relational Coping Strategies Between Mothers Suffering MS, RA, LBP and Well Mothers

A. Tehranchi[✉]

M. Dehghani, Ph.D.

K. Tahmasian, Ph.D.

عطا طهرانچی[✉]

کارشناس ارشد روان‌شناسی خانواده درمانی

دکتر محسن دهقانی

استادیار روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

دکتر کارینه طهماسیان

استادیار روان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: ۹۱/۳/۱۶

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۱/۱۱/۱۴

پذیرش مقاله: ۹۲/۲/۱۶

Abstract

Chronic pain makes parenting more difficult as mothers with chronic illnesses such as LBP, RA or MS have to manage pain and disability of chronic illness and parenting simultaneously. Therefore coping has an important role to reduce the tension of chronic illness and to improve parenting in mothers with chronic pain and main goal of present study is comparing relational coping strategies in mothers with LBP, MS, RA, and control group.

[✉]Corresponding author: Family Research Center, Shahid Beheshti University, Tehran.
Tel: 021-66475618
Email: atatehranchi@yahoo.com

چکیده

هدف مطالعه حاضر مقایسه راهبردهای مقابله‌ای ارتباطی در مادران مبتلا به MS، RA، LBP و مادران غیربیمار است. جامعه آماری از مادران مبتلا به MS و RA، LBP که به بیمارستان‌های آتیه، امام‌خمینی و انجمن ام‌اس مراجعه کرده بودند تشکیل شده است. حجم نمونه در پژوهش حاضر شامل ۶۷ بیمار مبتلا به LBP، ۵۰ بیمار مبتلا به RA، ۳۲ بیمار مبتلا به MS و ۳۲ مادر غیربیمار است.

[✉]نویسنده مسئول: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده خانواده

تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۷۵۶۱۸

پست الکترونیکی: atatehranchi@yahoo.com

Sample size is consisted of 67 patients with LBP, 50 patients with RA, 32 patients with MS, and 32 non-patients. All mothers participated in semi-structured interview of relational coping strategies. Results demonstrated that there is a significant difference between four groups in relational coping strategies of self-care, engaging the child, requesting assistance from others (social support), self-preservation parenting and distraction. Results indicated that mothers with RA, MS and LBP utilized self-care, requesting social support, self-preservation parenting and distraction more than control group. Non-patient mothers engaged their children in activities more than patient groups. Results are consistent with previous research that mothers in chronic pain use pain management copings more frequently and reduce their parenting activities.

Keywords: Low Back Pain, Mother-child relationship, Multiple sclerosis, Relational coping strategies, Rheumatoid Arthritis.

بیماران و گروه کنترل در مصاحبه نیمه‌ساختاری راهبردهای مقابله‌ای ارتباطی شرکت کردند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بیماران مبتلا به RA ، LBP و MS از راهبردهای خودتیمارداری، کاهش وظایف فرزندپروری و انحراف توجه نسبت به مادران گروه کنترل به شکل معناداری بیشتر استفاده می‌کنند. مادران گروه کنترل از مادران مبتلا به RA ، MS و LBP از راهبرد سرگرم کردن فرزند بیشتر استفاده می‌کردند. نتایج مطالعه حاضر هم راستا با مطالعات پیشین نشان می‌دهد که مادران مبتلا به درد مزمن از راهبردهایی استفاده می‌کنند که متمرکز بر مدیریت درد هستند و وظایف فرزندپروری خود را کاهش می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: آرتریت روماتوئید، ام‌اس، کمر درد مزمن، راهبردهای مقابله‌ای ارتباطی، رابطه مادر-فرزند

تأثیر شیوه‌های تربیتی والدین بر نوع دلبستگی فرزندان

The Effect of Parenting Styles on Children Attachment Dimensions

A. Zeinali, Ph.D. ✉

✉ دکتر علی زینالی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه

دریافت مقاله: ۹۰/۳/۱

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۱/۱۰/۲۵

پذیرش مقاله: ۹۱/۱۲/۸

Abstract

The purpose of this study is to determine the effects of parenting style on prediction of children's attachment style. To achieve this aim, the study investigates whether different parenting styles (authoritative, authoritarian, permissive and neglectful) Leads to shaping various attachment styles (secure, fearful, preoccupied and dismissing) in children? 508 high school adolescent boys and girls with the age range of 14-19 participated in this study and were selected through Stratified Random Sampling method. Data were gathered through Parenting Style Questionnaire (PSQ) and Attachment Style Questionnaire (ASQ).

✉Corresponding author: Dept. of Psychology, Islamic Azad University; urmia Branch, urmia, Iran.

Tel: +98-09143409171

Email: cognition20@yahoo.com

چکیده:

هدف از مطالعه حاضر تعیین تأثیر سبک‌های والدینی در پیش‌بینی نوع دلبستگی فرزندان است. بدین منظور پژوهش حاضر قصد دارد این موضوع را بررسی کند که آیا سبک‌های والدینی مختلف (مقتدر، مستبد، آزادگذار و بی‌اعتنا) به شکل‌دهی دلبستگی‌های متفاوت (ایمن، اشتغال خاطر، هراسان و دوری‌گزین) در فرزندان می‌انجامد یا خیر. شرکت‌کنندگان در پژوهش ۵۰۸ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر نوجوان (پایه‌های اول، دوم و سوم) دبیرستانی بودند که دامنه سنی بین ۱۴ تا ۱۹ سال داشتند و به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه شیوه‌های تربیتی والدین (زینالی، شریفی، عنایتی، عسگری و پاشا، ۱۳۹۰) و پرسشنامه سبک‌های دلبستگی (ون-آدنون، هافسترا و بکر، ۲۰۰۳) بود.

✉ نویسنده مسئول: دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه

تلفن: ۰۹۱۴۳۴۰۹۱۷۱

cognition20@yahoo.com

In order to analyze the data, the researcher used Multiple Regression statistics. The results showed, Authoritative, authoritarian, neglectful and permissive parenting styles have positive and significant relationships with secure, preoccupied, fearful and dismissing attachment in children respectively and are considered as direct and significant predictor of them in children. The present study, with emphasize on fundamental role of parenting styles, recommend learning of authoritative parenting style and correction of authoritarian, neglectful and permissive parenting styles to parents in family setting.

Keywords: Parenting Style, Attachment Style, Children.

داده‌های حاصل از شرگت‌کنندگان در پژوهش به وسیله رگرسیون چند متغیری تجزیه و تحلیل شد. نتایج نشان داد، شیوه تربیتی مقتدر، بی‌اعتنا، مستبد و آزادگذار والدین به ترتیب رابطه مثبت و معنادار با دلبستگی ایمن، هراسان، اشتغال خاطر و دوری‌گزین فرزندان دارند و پیش‌بینی کننده‌های مستقیم و معنادار آن‌ها در فرزندان‌اند. پژوهش حاضر با تأکید بر نقش بنیادین و اساسی شیوه‌های تربیتی والدینی، فراگیری شیوه تربیتی اقتداری و اصلاح روش‌های تربیتی مستبدانه، آزادگذار و بی‌اعتنا را در خانواده‌ها به والدین توصیه می‌کند.

کلیدواژه‌ها: شیوه‌های تربیتی والدینی، سبک‌های دلبستگی، فرزندان

پیش‌بینی ارتباط با مدرسه بر اساس دلبستگی به والدین و همسالان

Predicting School Connectedness Based on Parent and Peers Attachment

E. Hejazi, Ph.D. ✉

دکتر الهه حجازی ✉

دانشیار دانشگاه تهران

J. Ejei, Ph.D.

دکتر جواد اژه‌ای

دانشیار دانشگاه تهران

G. Ranjbar, M.Sc.

غفار رنجبر

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه تهران

دریافت مقاله: ۹۰/۱۱/۱۸

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۱/۱۱/۲۲

پذیرش مقاله: ۹۲/۲/۱

Abstract

The purpose of present study was investigated the relationship and predictability of school connectedness through parent and peers attachment in adolescence. For this reason, 387 male students of second grade of high school were chosen through cluster sampling method and completed a survey consisted of Parent Peers Attachment Inventory (IPPA) and School connection Scale (SCS).

✉Corresponding author: Educational Psychology and Counseling Department, Faculty of Psychology & Education University of Tehran Jalal Al-e-Ahmad Ave. Tehran, Iran
Tel: +98021-61117411
Email: hejazi@ut.ac.ir

چکیده:

هدف پژوهش حاضر تعیین رابطه و پیش‌بینی ارتباط با مدرسه از طریق دلبستگی به والدین و همسالان در نوجوانان بود. بر همین اساس ۳۷۸ دانش‌آموز پسر پایه دوم دبیرستان از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای از میان دبیرستان‌های شهر تهران انتخاب شدند و به پرسشنامه‌ای متشکل از سیاهه دلبستگی به والدین و همسالان (IPPA) و مقیاس ارتباط با مدرسه (SCS) پاسخ دادند.

✉نویسنده مسئول: تهران، خیابان جلال آل‌احمد، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، گروه روان‌شناسی تربیتی و مشاوره

تلفن: ۰۲۱-۶۱۱۱۷۴۱۱

The results of stepwise regression show predicting of school connectedness based on parent and peers attachment. Among attachment subscales, communication with peers and parent have the most power to predict school connectedness. The relationship between Peers alienation and parent alienation with school connectedness is significantly negative. In general, secure attachment to parent and peers could be considered as a factor for school connectedness.

Keywords: Parent Attachment, Peers Attachment, and School Connectedness.

نتایج حاصل از رگرسیون گام به گام نشان داد که دلبستگی به والدین و همسالان توان پیش‌بینی ارتباط با مدرسه را دارد. از میان مؤلفه‌های دلبستگی؛ مؤلفه ارتباط با همسالان و ارتباط با والدین به ترتیب بیشترین قدرت پیش‌بینی‌کنندگی ارتباط با مدرسه را دارند. مؤلفه بیگانگی با همسالان و والدین به‌طور منفی با ارتباط با مدرسه رابطه دارند. براساس نتایج می‌توان گفت که دلبستگی ایمن به والدین و همسالان می‌تواند به‌عنوان عاملی برای پیوند با مدرسه در نظر گرفته شود.

کلیدواژه‌ها: دلبستگی به والدین، دلبستگی به همسالان و ارتباط با مدرسه

ساختار قدرت در خانواده و گرایش‌های سرکوب‌گرانه برآمده از آن برحسب نقش انرژی عاطفی و وضعیت اقتصادی زنان در شهر آبدانان

Power Structure in Family and Coercive Trends Consequence of it Based on Women's Emotional Energy and Economic Situation in Abdanan

M. Mokhtari, Ph.D. ✉

S. Ahmadi, Ph.D.

M. Kordipour

دکتر مریم مختاری ✉

استادیار جامعه‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه یاسوج

دکتر سیروس احمدی

استادیار جامعه‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه یاسوج

معصومه کردی پور

دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یاسوج

دریافت مقاله: ۹۰/۷/۱۰

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۱/۱۰/۱۶

پذیرش مقاله: ۹۱/۱۲/۲۲

Abstract

This research carried out with the purpose of determining role of women's emotional energy and economic situation in power structure in family and coercive trends consequence of it in Abdanan. Subject of power in family is one of the considered problems in Sociology. In this way role of two differential factors (emotional energy and economic situation) is thinkful.

✉Corresponding author: Dept. of Social Sciences, Faculty of Humanity Sciences, University of Yasouj, Yasouj.
Tel: 0741-2221502
Email: Mmokhtari@mail.yu.ac.ir

چکیده:

تحقیق حاضر با هدف تعیین نقش انرژی عاطفی و وضعیت اقتصادی زنان در ساختار قدرت در خانواده و گرایش‌های سرکوب‌گرانه برآمده از آن در شهر آبدانان صورت گرفته است. موضوع قدرت در خانواده یکی از مسائل مورد توجه در حوزه جامعه‌شناسی است. در این رابطه نقش و جایگاه دو عامل متمایز از یکدیگر، یعنی انرژی عاطفی و وضعیت اقتصادی، قابل تأمل است.

✉نویسنده مسئول: یاسوج، دانشکده علوم انسانی دانشگاه یاسوج،

گروه علوم اجتماعی

تلفن: ۰۷۴۱۲۲۲۱۵۰۲

پست الکترونیکی: Mmokhtari@mail.yu.ac.ir

Research method was survey and population were all of married women in Abdanan that were selected 400 women as a sample size with performance of multy stage cluster sampling. A researcher-made questionnaire was used for data collection. In this research power structure considered as a mediator variable.

Research finding showed that there is significant and direct relation between emotional energy and power structure in family but there isn't significant relation between economic situation and power structure in family. Relation between variables and coercive trends as a dependent variable is expressive of significant and direct relation between emotional energy and coercive trends. There is significant and reverse relation between economic situation and coercive trends and also significant and direct relation between power structure in family and coercive trends.

KeyWords: Family, Women, Power Structure, Emotional Energy, Coercive Trends.

روش تحقیق روش پیمایشی است و جامعه آماری، کلیه زنان متأهل در شهر آبدانان بوده که ۴۰۰ نفر از آنها به عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. داده‌ها، با استفاده از ابزار پرسشنامه محقق ساخته جمع‌آوری شده و در این تحقیق ساختار قدرت در خانواده به عنوان متغیر واسطه‌ای در نظر گرفته شده است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین انرژی عاطفی و ساختار قدرت در خانواده رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد؛ اما رابطه معناداری بین وضعیت اقتصادی و ساختار قدرت در خانواده نیست. رابطه متغیرها با گرایش‌های سرکوب‌گرانه به عنوان متغیر وابسته نیز حاکی از آن است که بین انرژی عاطفی و گرایش‌های سرکوب‌گرانه رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد. هم‌چنین رابطه معنادار و معکوس بین وضعیت اقتصادی و گرایش‌های سرکوب‌گرانه و رابطه مستقیم و معنادار بین ساختار قدرت و گرایش‌های سرکوب‌گرانه وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: خانواده، زنان، ساختار قدرت، انرژی عاطفی، گرایش‌های سرکوب‌گرانه.

تأثیر ورشکستگی و اعسار زوج بر مطالبات زوجه

The Effect of Bankruptcy and Insolvency on the Wife's Claims

M. Roshan, Ph.D. ✉

دکتر محمد روشن ✉

استادیار دانشگاه شهید بهشتی

H. Mohammadi

حسن محمدی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی

دریافت مقاله: ۹۰/۶/۸

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۱/۱۱/۱۵

پذیرش مقاله: ۹۲/۲/۲۳

Abstract

After the marriage, the spouses have some rights against each other, which are divided into financial or personal rights. Although personal rights belong to both the man and the wife, the financial rights, except the heritage, belong only to the wife which is imposed on the man. The dowry, the maintenance, donation, and the property of the man, remuneration belong to the wife.

After the marriage, different factors may affect the merit of the wife for these claims such as incapacity, bankruptcy or the insolvency of one of the man. Regarding the impact of these factors on the merit of the wife for these rights it should be said that in

چکیده

با عقد ازدواج برای زوجین حقوقی ایجاد می‌شود، که به حقوق مالی و غیرمالی تقسیم می‌گردد. به استثنای ارث، تمامی حقوق مالی مختص زوجه است که جمله آن بر عهده زوج قرار می‌گیرد. مهریه، نفقه، اجرت‌المثل، نخله و شرط تنصیف دارایی از مطالبات مختص زوجه در روابط زوجین در حقوق ایران است. بعد از ازدواج ممکن است شرایط مختلفی مانند ورشکستگی، اعسار زوج و... حادث شود که مطالبات زوجه را تحت تأثیر قرار دهد. با این‌که اصل بر عدم تأثیر آن‌هاست، در برخی موارد شرایط پیش گفته تأثیرگذار می‌شود، که با توجه به نوع مطالبه، تأثیر آن متفاوت خواهد بود.

✉Corresponding Author: Family Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran
Tel: +98021-29902364
Email: m-roshan@sbu.ac.ir

✉نویسنده مسئول: تهران، اوین، دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده

خانواده

تلفن: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۳۶۴

پست الکترونیکی: m-roshan@sbu.ac.ir

principle they do not affect this title, but in some cases it is possible. Depending on the kind of claim the effect differs.

These factors may also affect the recover these claims, which, in any case, got its own procedure.

Therefore, the main purpose of this article is to consider the effect of the bankruptcy and insolvency of the man on the merit of the claims and the way to recover these claims.

KeyWords: Dowry, Maintenance, Reconciliation, Insolvency, Bankruptcy.

این شرایط بر نحوه وصول مطالبات نیز مؤثر است و در هر مورد تشریفات خاص مقتضی خود را دارد. در این مقاله تأثیر ورشکستگی و اعسار زوج بر استحقاق و همچنین وصول مطالبات زوجه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: مهریه، نفقه، اجرت المثل، اعسار، ورشکستگی